



۲۰۱۴/۰۵/۲۰

صالحه وهاب واصل

کودک میهن

تقدیم به همه آن کودکان بیچاره و مجبور سرزمینم که بازی دست سرنوشت و طعمه دست ظالمان وحشی صفت و خود پرست گردیدند. آن اطفالیکه گلخنچه لذایذ دوران کودکی شان در هوای وحشت بار و فضای موهوم نا امنی نا شگفته خشک شد، به جای دست نوازشگر پدر دست بیکسی را گرفتند، به جای آغوش گرم و پر مهر مادر زیر دامن فقر و ناداری خفه شدند. آن کودکان ستم کشیده سر زمینم که به جای حلقه بکس مکتب، حلقه زنگ به پا بستند و برای امرار حیات حتی به جسم فروشی و ادار گردیدند.

اطفال نادان و حیرانیکه در اولین سالهای عمر شان به جای پناه گاه و اعتماد خانوادگی، آوارگی و بی سر پناهی را تجربه کردند و در زیر سائبان درختان خشک و بی برگ در گوشه های جاده های پر ازدحام بی انصافی، بیعدالتی و فلاکت بار از سردی زمستان و گرمای سوزنده طموزان با خود و در کنار خود بزرگ شدند. به آن کودکان بی زبان میهنم که به جای محبت - شقاوت، به جای مهر - نفرت، به جای دوستی - خصومت، به جای دردزدایی - دردفرایی و به جای زنده ساختن - نفس گرفتن را آموختند. این شعر من شمه است از تصویر دهی درد های بی التیام کودکان میهنم است.



بنازم چهره معصوم و زردت، کودک میهن
 بمیرم از برای آه سَرَدَت، کودک میهن
 هزاران چندِ عمرت رنج دادندت اَبَر مردان
 نکردند لحظه درمان دَرَدَت، کودک میهن

د پانوی شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

ز دستت چید دست چرخ، هر چه در بساطت بود
جدا از اجتماع کردند، فَرَدَتِ کودک میهن
ندیدی مهر بابایت نه هم آغوشی از مادر
چه اظلامی فلک ملزوم کردت، کودک میهن
نداری سر پناهی، نی غذای، نی لباس تن
به بازی در کشیدند همچو نَرَدت^۱، کودک میهن
نی بینم به چشم خسته ات جز رنگ نفرت را
ز وحشت همچو بُز بردند به لَرَدت^۲، کودک میهن
تپیدی پا برهنه هر طرف از بهر یک نانی
به تیرماه و به تابستان و بَرَدت^۳، کودک میهن
ندیدی لذت تعلیم، ماندی بی خبر از علم
نمودند از ره تحصیل طَرَدتِ کودک میهن
به زهر دُخنه کردند ظالمان سر تا به پانعثت
میان غنچه پژمردند وَرَدت^۴، کودک میهن
به پای هر توانگر خم شدی بر داشتی باری
ندیدند قدرتِ راستی و اَرَدت^۵، کودک میهن
بیاهمدست «واهب» شو که در صلح و صفا کوشد
توکل بر خدا کن زین نبردت، کودک میهن

۲۰۰۹-۰۱-۱۶

- ۱- نَرَد = یک بازیست همانند شطرنج
- ۲- لَرَد = میدان بزگشی
- ۳- بَرَد = زمستان
- ۴- وَرَد = گل سرخ
- ۵- اَرَد = توانایی

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ